



بی در دسر و بدون اینکه حرص بخوریم این بار به جام جهانی صعود کردیم. آقای حاج رضایی چه دلایلی را در این صعود تأثیر گذار می دانید؟ چه شد این بار بر خلاف جام جهانی ۹۸ و ۲۰۱۶ برای رفتن به جام جهانی جان به لب نشدی؟ فوتبال در این دوره نسبت به دور های پیش چه فاکتورهای بیشتری داشت که ما توانستیم یک صعود زود هنگام را جشن بگیریم؟

به نظر من مقایسه کردن کار در ستی نیست، عوامل بسیار زیادی وجود دارد که نمی گذارد در شرایط مختلف تیم‌ها با هم مقایسه شوند. یک سال و نیم، دو سال بعد از آمدن آقای کرش به ایران بود که تیم کشورمان راهی جام جهانی برزیل شد. بعد ایشا‌ن چهار سال وقت داشتند تا در تیم ملی تغییر نسل بدهند و تغییر سبک ایجاد کنند. در این زمینه یک سری بازیکنان جوان به تیم ملی دعوت شدند که دعوت کردن از این بازیکنان مقدار زیادی شهادت می خواست. ترکیب تیم ملی عوض و تعداد لژیونر هایمان زیاد شد و به همین خاطر نمی توانیم به جهت سطح بازیکنان و مربیایی که در دوره‌های مختلف در تیم ملی بودند، این مقایسه را در نحوه صعود کردن انجام بدهیم. تیم ملی به رغم صحبت‌های آقای کرش که هر چند وقت یکبار از کمبودها گلایه می کردند می یابند، تیم ملی از خیلی پشتوانه‌های اقتصادی و مالی بر خوردار بود و فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش به تیم ملی کمک کردند. بنابراین این دوره کاملاً متفاوت با دورهای گذشته بود و همان طور که اول صحبت‌هایم عرض کردم، نقش سرمربی، تلاش و بازیکنان و حمایت فدراسیون را نمی توانیم نادیده بگیریم.

صعود مقتدرانه‌ای هم داشتیم، بدون گل خورده و بدون باخت، ریشه این اقتدار فوتبال را در صعود به جام جهانی در چه می بینید؟

گفت‌وگو سعید احمدیان

وقتی به تیم ملی نگاه می کنیم، کلاً لاتاکتیک تیم مشخص است و از سیستمی که مؤلفه‌های دفاعی دارد، کرش استفاده می کند. بازیکنان به زمین خودمان می آیند، توپ را به حریف می دهیم اما فضای بازی را خودمان در دست می گیریم. این مؤلفه‌های دفاعی هنر آقای کرش است. در دنیا هم البته تیم‌هایی مانند منچستر یا مورینیو و آلتینکو مادرید یا سیمونه از سیستم دفاعی استفاده می کنند. البته فوتبال دفاعی هیچ وقت خلاف اخلاقی و قانون نیست اما خب مردم دوست دارند فوتبال تهاجمی ببینند. سبک بازی و تمرینات تیم ملی کلاً بر اساس دفاع و ضد حمله طراحی شده است. این اجازه می دهد یک دفاع سازمان یافته کمتر گل بخورد که برای ایران این عدد صفر گل خورده است. ما در مسئله دفاعی به کمال نرسیدیم اما به صورت نسبی رشد کردیم و مشخص است که تیم به اصول دفاعی نزدیک شده است. این ایده آقای کرش است که به بار نشسته، هر چند مردم بازی تهاجمی و گل‌های زیاد را دوست دارند اما مهم‌تر از اینها نتیجه نهایی مسابقه است که به نفع تیم ایران رقم خورده است. به هر حال هر مربی برای خودش ایدئولوژی و بینش خاصی دارد و در یک فوتبال تهاجمی یا دفاعی، هدف هر تیم کسب پیروزی است. تاکتیک‌ی هم که کرش در تیم ملی اتخاذ کرد سبب شد تا تیم ملی کشورمان با زبان خیلی کم به جام جهانی صعود کند.

حالا با صعود به جام جهانی خیلی‌ها صعود از گروه‌مان را از کرش و تیمش می خواهند، با توجه به ظرفیت و پتانسیلی که داریم چه هدف گذاری‌هایی باید برای مسابقاتمان در روسیه داشته باشیم؟

با دو چیز مخالفم؛ معتقدم اول اینکه سقف آرزوهای فوتبالمان نباید تنها صعود به جام جهانی باشد، صعود به جام جهانی نباید باعث شود کمبودها و مشکلاتمان را بپوشانیم

شاگردان کرش ۲۲ خرداد با برتری ۲ بر صفر مقابل ازبکستان و در فاصله دو هفته مانده به پایان انتخابی جام جهانی، بلیت روسیه را برای خودشان رزرو کردند؛ دومین صعود متوالی به جام جهانی تا حضور در بزرگ‌ترین جشن فوتبال دنیا دیگر یک آرزو یا رؤیا نباشد. حالا هدف فوتبال ایران، صعود از مرحله گروهی و رفتن به یک هشتم نهایی جسام جهانی است. دو هفته پس از زود هنگام ترین صعود به جام جهانی که با کورد بدون گل خورده به دست آمد، در گفت و گو با امیر حاج رضایی کارشناس فوتبال کشورمان، وضعیت تیم ملی فوتبال را بررسی کرده ایم.

و فراموش کنیم، دو اینکه رسیدن به دور دوم نیز نباید سقف آرزوهایمان باشد. معتقدم که این پیروزی و صعود به جام جهانی پیام آور است. این پیام را دارد که باید در کارهای زیربنایی و ساختاری اجتماعی فوتبال توانمند باشیم. البته با افتتاح ورزشگاه نقش جهان و ورزشگاه امام رضا(ع) مشهد این زیر ساخت‌ها در فوتبال کشورمان در حال شکل گیری است. مسئله دیگر توجه به رده‌های پایه است، اینکه در رده‌های پایه فقط رسیدن به جام جهانی هدفمان نباشد و سقف آرزوهایمان را کوتاه نکنیم.

یعنی شما معتقدید که باید نگاه بلندپروازانه‌تری داشته باشیم و تأثیرات صعود به جام جهانی را در توسعه زیر ساخت‌ها و فوتبال پایه ببینیم، نه اینکه یک هدف و یک سقف آرزوی کوتاه مدت داشته باشیم؟

قطعاً، به دلیل اینکه استعدادهای فوتبالمان سقششان خیلی بالاست. ما کشوری هستیم که به دلیل داده‌های علمی، فاکتورهای مدنظر فیفا را برای پیشرفت داریم. بر اساس آمار کنفدراسیون فوتبال آسیا، ایران بالاترین نیروی انسانی مستعد فوتبال را در سطح آسیا دارد، کافی است که شما نگاه کنید به تیمکت تیم ملی، اینکه با توجه به پتانسیل بالایی که داریم، چه بازیکنانی روی نیمکت می‌نشینند و این نشان می‌دهد که فوتبال ایران غنی و برای پرورش این استعدادها زحمت کشیده شده است و نشان از نیروی انسانی بالای ما در زمینه فوتبال دارد. دوم به جهت اقلیمی و جغرافیایی، کشوری چهار فصل هستیم و می‌توانیم در تمامی فصول تمرین و مسابقه بر گزار کنیم. در مجموع معتقدم با توجه به این پتانسیل و ظرفیت سقف فوتبال ایران را نباید پایین آورد. پویایی فوتبال به این نیست که بعد از حضور در چهار دوره جام جهانی، در دوره بعد به مر حله حذفی با بالاتر بر وید. این موفقیت خیلی خوبی است ولی



راه دشواری که تیم ملی تا رسیدن به روسیه طی کرد از استعفاي کرش تا صعودی تاریخی

باشند. در نهایت نیز با شش برد، دو تساوی و ۲۰ امتیاز صدر گروه D را در اختیار گرفتیم. کار اصلی زمانی آغاز شد که در مرحله سوم مدعیان قاره کهن در دو گروه برای صعود به روسیه با یکدیگر رقابت می کردند. سفیدپوشان کشورمان با تیم‌های ازبکستان، کره جنوبی، قطر، چین و سوریه در گروه اول گنجیدند که در این مرحله نیز با ۶ برد، دو تساوی و ۲۰ امتیاز (دو بازی باقی مانده) در آزادی صعودشان به جام جهانی را جشن گرفتند.

مخالفان کرش

سرمربی پرتغالی با اینکه محبوبیت زیادی بین مردم و هواداران دارد اما در بین مربیان وطنی و برخی کارشناسان هستند افرادی که به هیچ وجه دل خوشی از کارلوس

کرش ندارند و از هیچ فرصت و بهانه‌ای برای مصاحبه‌های آتشین علیه او نمی گذرن. در یک سال اخیر کرش بارها با منتقدان و مربیان باشگاهی درگیری لفظی پیدا کرد و حتی کار به انتشار بیانیه‌های تند و نیز تیز کشید. فصل گذشته لیگ برتر به خاطر برگزاری اردوهای تیم ملی در خارج از کشور چند باری تعطیل شد؛ تعطیلی‌هایی که داد برخی مربیان باشگاهی را درآورد. از جمله این مربیان

حیدر شاهینکعبه جوان

تعبیر رؤیای موفقیت

موفقیت، رؤیایی بود که کرش برای فوتبال تعبیر کرد. آن هم یک تعبیر رؤیایی با دو صعود پیاپی به جام جهانی. نه اینکه پیش از مرد پرتغالی نیمکت تیم ملی صعود به جام جهانی را تجربه نکرده باشیم و نه پیش از او نیز سه مرتبه این تجربه را داشتیم و جز ۹۸ فرانسه دیگر صعودهایمان با استرس و اما مرتبه پیاپی که حالا انتظار صعود از مرحله گروهی جام جهانی را به وجد آورده است. اما کرش، همان پرتغالی یک دنده که گاه با در یک کفش می‌کرد برای رفتن و گاه نداشتنه‌های فنی، زیرساختی و امکاناتمان را بر فرق سرمان می‌کوبید و گاه چنان جواب ندان‌شکنی به حریفان یالوه‌گو می‌داد که تصور می‌کردیم به اشتباه محل تولدش در شناسنامه پرتغال نوشته شده، این رؤیا را به شیرینی هر چه تمام‌تر بر ایمان تعبیر کرد. آن هم در دومین صعود پیاپی که نه فقط برای نخستین بار بود، که مقتدرانه و غرور آفرین و البته زود هنگام بود. کرش ثابت کرد که موفقیت اقتدرها هم دور از دسترس نیست که با حسرت بدان چشم بدوزیم. او ثابت کرد که موفقیت هدفی است والا که برای رسیدن به آن باید یکدل بود و تلاش کرد و با سختی‌ها جنگید. حتی اگر این سختی‌ها نداشتن زمین تمرین، حریف تدار کاتی یا حتی یالوه‌گویی دشمنانی باشد که می‌خواهند به هزار و یک ترفند ورزش و به خصوص فوتبال ایران را منزوی کنند. حالا اما با گذشت شش سال از حضور او در ایران می‌دانیم هر خواستنی توانستن است. نه اینکه کرش معجزه‌ای خارق‌العاده کرده باشد نه. او بدون شک یغمبر نیست که کارش را معجزه‌های الهی بدانیم که بعد از سختی‌های بسیار نصیبمان شده، او فقط یک مربی پرتلاش است با هدفی مشخص که تداوم حضورش روی نیمکت تیم ملی فوتبال ایران رؤیایی شیرین را برای ما محقق کرد. همین و بس.

امکانات فوتبال ایران از اولین روز حضور کرش و در طول شش سال گذشته اندک تغییری نکرد، چانه‌زنی‌های او برای زمین تمرین، حریف تدار کاتی، برپایی اردو یا حتی گرفتن بازیکنان از تیم‌های باشگاهی همچنان به قوت خود باقی است و این مسائل و مشکلات را نه قهر‌ها و تهدیدهایش با استعفا تغییر داد و نه بیانیه‌هایش برای ایجاد اتحاد و همدلی. در واقع مهم‌ترین فاکتوری که باعث شد تیم ملی فوتبال ایران دو صعود به جام جهانی را با این مرد پرتغالی تجربه کند، حضور مستمرش طی شش سال گذشته روی نیمکت تیم ملی بود.

ثبات، بدون شک مهم‌ترین کلیدواژه موفقیت کرش در تیم ملی فوتبال ایران بود. مسئله بسیار مهمی که توانست انبوه مشکلات خصوصاً مشکلات زیرساختی و تدار کاتی را کنار زده و تصویری خیره‌کننده از توانایی‌های فوتبال ایران ترسیم کرده و موفقیتی خاطر‌انگیز را رقم بزند. قرار نیست توانایی‌های سرمربی تیم ملی و دانش فنی او را زیر سؤال ببریم. اما بدون شک شش سال حضور در تیم ملی ایران شناختی را برای او فراهم کرد که بتواند با کمترین امکانات، بهترین انتخاب‌ها را داشته باشد. انتخاب‌هایی که بسیاری از آنها در فواصل زمانی مختلف با انتقادهای زیادی مواجه شدند اما مجموعه این انتخاب‌هایی که در دست و غلط را در کنار هم داشت، توانست همان هدفی را دنبال کند که کرش برنامه‌ریزی کرده بود و نتیجه‌ای را رقم بزند که نه فقط او، که ۸ میلیون ایرانی چشم انتظارش بودند؛ صعود به جام جهانی. صعودی مقتدرانه که بعد از سال‌ها آقای ایران را بار دیگر در فوتبال آسیا به رخ کشید. آقای تیمی که اگر چه طی چند سال اخیر سکوی نخست رده‌بندی قاره کهن را در اختیار داشت اما حالا با این صعود مقتدرانه یک بار دیگر به همه دیکته شد. خصوصاً

آنهایی که تلاش زیادی برای پایین کشیدن آن داشتند اما تیرهایشان به سنگ خورد. این موفقیت می‌تواند یک انگیزه و بررسی شود. درست مثل مثال‌هایلی که نیاز به بررسی دارند برای علت‌یابی و عدم تکرار، بردها نیز می‌تواند زیر ذره‌بین قرار گیرد برای الگوبرداری. خصوصاً که ثبات، گمشده امروز فوتبال ایران است. چه در عرصه مدیریت و چه فنی. گمشده‌ای که فوتبال باشگاهی و پیشتر فوتبال ملی ضربه‌های جبران‌ناپذیری از آن خورده است. اما امروز، با یک نگاه ساده می‌توان دریافت این حضور مستمر کرش در شش سال گذشته و اعتماد به یک تفکر واحد برای پیاده‌سازی اهدافش بوده که توانسته بعد از صعود به جام جهانی برزیل، حضور در جام جهانی روسیه را نیز مقتدرانه رقم بزند. چیزی مشابه اتفاقی که طی دو سه سال گذشته در عرصه فوتبال باشگاهی برای پرسپولیس رخ داد. ثبات مدیریت و بعد از آن ثبات کادر فنی که این تیم را از ناکامی‌هایی که سه سال قبل با آن دست و پنجه نرم می‌کرد طی دو سه سال گذشته و اعتماد به یک قهرمانی و صعود به یک چهارم نهایی آسیا رساند. موفقیتی که پیش از آن و چند سال قبل سیاهان نیز با تکیه بر همین بهمان بدان دست یافته بود و با دور شدن از این راه، موفقیت‌هایش نیز خاتمه یافت.



۴ بار صعود به جام جهانی با اقتدار اما...

ملبورن چیز دیگری بود

فوتبال ایران با صعود به رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه آمار حضور خود در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان پس از المپیک را به عدد ۵ رساند؛ فوتبالی که حالا می‌توان گفت رسیدن به جام جهانی آرزویش

نیست و باید به فکر درخشش در مرحله نهایی این مسابقات باشد.
نگاهی به تاریخ صعودهای ایران به جام جهانی از ۱۹۷۸ آرزائیتن تا ۲۰۱۸ روسیه ثابت می‌کند که فوتبال در ۴ دوره با اقتدار راهی جام جهانی شده است و تنها در سال ۱۹۹۸ و جام جهانی فرانسه بوده که به عنوان آخرین تیم صعودی دراماتیک به جام جهانی داشته است؛ صعودی که به رغم حضورهای بعدی و مقتدرانه در این رقابت‌ها هنوز نتوانسته است. اگر آن (۱۳۶۶ و یادآوری آن بازی حماسی در

صعود مقتدرانه به آرزائیتن

تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۹۷۷ در شرایطی گام به رقابت‌های مقدماتی جام جهانی گذاشت که فوتبال ایران آرام از فوتبال آماتوری فاصله می‌گرفت. حضور در رقابت‌های جام جهانی کوچک و رویارویی با بزرگان فوتبال دنیا از جمله آرزائیتن، برزیل و فرانسه و کسب نتایج قابل قبول مقابل آنها باعث شده بود ایران در سایه سه قهرمانی پیاپی در آسیا قدرت بلامناع فوتبال قاره باشد بنابراین هیچ تعجبی نداشت وقتی قبل از شروع بازی آخر مرحله مقدماتی کویتی‌ها پارچه نوشته‌ای با خود به زمین بیاوردند و صعود ایران به جام جهانی ۱۹۷۸ آرتزائین را تبریک بگویند.

حماسه لمبورن

۲۰ سال بعد ایران با حضور ستاره‌های جدید خود گام به مرحله مقدماتی گذشت و با گلباران کردن مدلیو کارش را آغاز کرد، در مرحله دوم اما کار گره خورده هر چند چین و کویت چندان سخت نبودند اما مطابق معمول دهه‌های قبل اسیر حرف‌های خاص عربستان شدیم و رفتیم به پلی آف و دیدار با ژاپن؛ ژاپن را برده بودیم اما در آخرین دقیق کم آوردیم تا ژاپنی‌ها هم جهانی شوند و کار ما به استرالیا کشیده شود. یک بازی سخت مقابل تیمی که بازیکنانش از لیگ برتر انگلستان می‌آمدند. بازی رفت در تهران یک، یک و بازی برگرد در لمبورن فرارسید. حتماً آنها که آن روز را خاطر دارند خوب می‌دانند که همه تصور می‌کردیم قبل‌تر از آنند که استرالیا را چوب و اصلی‌ترین رقیب خود مقتدرانه راهی جام جهانی ۲۰۱۴ اختلاف را دو برابر کرد. در ایران همه کار را تمام شده تلقی می‌کردند اما یک اتفاق، یک آشوبگر نژادپرست ورق را برگرداند وقتی تور دروازه ایران را باره کرد. گر غیرت علیزاده بیرون زد، کریم باقری خشمگین شد و علی دایی و خداداد فهمیدن که باید کار بکنند؛ این شد که حماسه لمبورن خلق شد؛ حماسه‌ای که تا همیشه به یاد خواهد ماند حتی اگر بارها و بارها راهی جام جهانی شویم.

صعودهای آسان بعدی

سال ۲۰۰۵ تیم ملی را برانکو پویش از آخرین بازی مقابل ژاپن جشن صعود راحت خود به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان را گرفت. جشنی هر چند بزرگ اما نه اندازه جشن صعود به جام ۹۸. تیم ملی ایران در سال ۲۰۱۳ نیز با اقتدار و بالاتر از کره جنوبی، اصلی‌ترین رقیب خود مقتدرانه راهی جام جهانی ۲۰۱۴ شد تا باز هم جشن صعود در خیابان‌های ایران برپا شود. و سرانجام تیم ملی در فاصله دو بازی مانده به پایان رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه صعود خود را حتمی کرد تا بروسه صعود به جام جهانی اینقدر عادی شود که علاقه‌مندان به فوتبال به تک بوق‌های شادی در خیابان‌ها قناعت کنند ولی صعود از لمبورن به جام جهانی چیزی دیگر بود.

سرانجام کسب صبر سرمربی را البریز کرد و استفاده؛ البته استعفايي که هرگز نهایی نشد؛ درگیری دوباره با سرمربی پرسپولیس کرش را برای استعفا متقاعد کرده بود. برانکو از اینکه در میانه فصل کرش بهترین بازیکنان قرمزها را به تیم ملی دعوت کرد به شدت ابراز ناراحتی کرده بود تا جایی که با این جمله کرش را به چالش کشید: «اگر از گروه‌مان را آسیا صعود نکنیم، کرش مقصر اصلی این قضیه است.» ممانطور که انتظار می‌فت سرمربی پیشین تیم ملی پرتغال و ژنرال مادرید باز هم کوتاه نیامد و در بیانیه‌ای عریض و طویل پاسخ برانکو را داد: «عمدی یا غیر عمد، به این مرد قول نیمکت تیم ملی ایران داده شده بود. در حال حاضر او ناراحت است و حسودی می‌کند.» بحث رفتن یا ماندن کرش مدت‌ها در موضوعات داغ رسانه‌ها بود که خوشبختانه این موضوع باز هم ختم به خیر شد.

انفعال فدراسیون

در تمام مدتی که فوتبال ملی ایران اسیر حواشی خود ساخت‌ها بود در فدراسیون فوتبال در بیشتر موارد نتوانست مدیریت صحیحی را در مواجهه با این مسائل داشته باشد. سرمربی تیم ملی از آنجا که همیشه از نحوه مدیریت فوتبال کشورمان انتقاد داشته و آن را غیر حرف‌های می‌خواند همواره در بحث مدیریت تیم ملی چند قدم از فدراسیون جلوتر بوده است. تا جایی که هم کفاشیان و هم تاج اختیاراتی که به مراتب بسیار بیشتر از سایر مربیان ملی به او دادند. بسا اینکه به هیچ وجه نمی‌توان منکر تأثیر حضور کرش بر بالا رفتن سطح فوتبال ملی ایران شد اما باید پذیرفت که فدراسیون فوتبال برای پنهان کردن ضعف‌های خود مسئولیت تصمیم‌گیری‌های زیادی را به کرش داد تا هم انتظارات سرمربی برآورده شود و هم از انتقادهای او در امان باشند همین مسئله نیز در دسرهایی را به وجود آورد، اعتراض سرمربی تیم ملی و تعطیلی لیگ یک، تیم ملی تنها یکی از این موارد است. بر کناری همه دستیاران ایرانی از جمله موارد استثنایی است که مهدی تاج هیچ واکنشی به آن نشان نداد؛ در داخ‌ت نشدن دستمزد کادر فنی تیم ملی یکی از همان اتفاق‌هایی بود که راه را برای انتقاد کرش از مدیریت فدراسیون باز گذاشت. هضم این مسئله که دستمزد کادر فنی پرداخت نشود برای سرمربی حرفه‌ای ایران که تجربه حضور در تیم‌های بزرگ را دارد اصلاً قابل قبول نبود.